

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

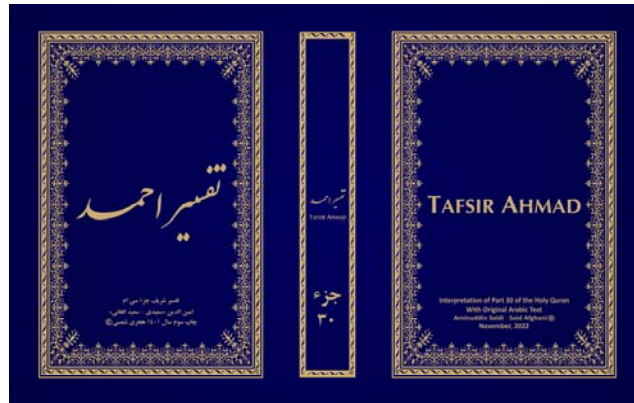
الحاج داکتر امین الدین "سعیدی-سعیدافغانی"

۰۳ مارچ ۲۰۲۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## ترجمه و تفسیر سُورَةُ الْعَلَقِ - (۲)

جزء ۳۰



سوره علق در «مکه» نازل شده و دارای ۱۹ آیت می باشد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشاینده و مهربان

أَقْرَأَ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱) خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۲) أَقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ (۳) الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۴) عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (۵) كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَن لِيطْغَى (۶) أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى (۷) إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَى (۸) أَرَأَيْتَ الَّذِي يُنْفَى (۹) عَبْدًا إِذَا صَلَّى (۱۰) أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى (۱۱) أَوْ أَمَرَ بِالْتَّقْوَى (۱۲) أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى (۱۳) أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى (۱۴) كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ (۱۵) نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ (۱۶) فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ (۱۷) سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ (۱۸) كَلَّا لَا تَطِعُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ (۱۹)

ترجمه موجز:

«أَقْرَأَ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» (۱) (بخوان به نام پروردگارت که بیافرید)

«خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ» (۲) (انسان را از خون بسته آفریده است.)

«أَقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ» (۳) (بخوان! پروردگار تو بزرگوارتر و بخشنده تر است)

«الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» (۴) (همان خدائی که به وسیله قلم (انسان را تعلیم داد و چیزها به او) آموخت.)

«عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (۵) (بدو چیزهایی را آموخت که نمی‌دانست).  
 «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ» (۶) (قطعاً) (اغلب) انسان‌ها سرکش و تمرد می‌آغازند.  
 «أَنْ رَأَاهُ اسْتَفْتَى» (۷) (چون خود را مستغنی و بی‌نیاز ببیند).  
 «إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ» (۸) (مسئلاً بازگشت (همگان در آن جهان) به سوی پروردگار تو خواهد بود).  
 «أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ» (۹) (آیا دیده‌ای کسی را که نهی می‌کند و باز می‌دارد).  
 «عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ» (۱۰) (بنده‌ای را که نماز می‌گزارد؟).  
 «أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَىٰ الْهُدَىٰ» (۱۱) (آیا می‌دانی اگر بر هدایت بودی؟).  
 «أَوْ أَمَرَ بِالْتَّقْوَىٰ» (۱۲) (و یا به پرهیز گاری فرمودی؟).  
 «أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ» (۱۳) (آیا دیدی اگر تکذیب کرد و روبرتافت؟).  
 «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ» (۱۴) (آیا نمی‌داند که خدا می‌بیند).  
 «كَلَّا لَنْ لَّمْ يَنْتَه لَنْسَفَعًا بِالنَّاصِيَةِ» (۱۵) (هرگز! هرگز! چنین نیست، اگر باز نیاید، حتماً او را بکشیم از موی پیشانی).  
 «نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ» (۱۶) (موی پیشانی دروغگوی خطا کار).  
 «فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ» (۱۷) (پس فرا خواند یاران مجلسش را).  
 «سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ» (۱۸) (وما حتماً فرا خوانیم دفع کنندگان پیاده را).  
 «كَلَّا لَا تَطْعَمُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ» (۱۹) (نه چنین است، پیروی اش ممکن، به سجده برو و تقرب بجو).

### تفسیر سوره:

خوانندگان محترم!

در آیات متبرکه (۱ الی ۵) موضوعات؛ حکمت خلقت انسان و آموزش خواندن و نوشتن به او، به بحث گرفته شده است.

### «أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» (۱):

این اولین خطاب الله متعال به پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌باشد و متضمن فراخوانی به خواندن و نوشتن و کسب علم و دانش است؛ زیرا شعار دین اسلام چنین است. از افتخارات اسلام این است که کارش را با قرانت و علم و قلم شروع کرد یعنی ای محمد! (بخوان به نام پروردگارت که بیافرید) (ای محمد! بخوان چیزی را که به تو وحی می‌شود. آن را بیاغاز و) بخوان به نام پروردگارت. آن که (همه جهان را) آفریده است.  
 بخوان زیرا با خواندن، علم و معرفت حاصل می‌شود و عبادت پروردگار صورت می‌گیرد و با نام الله متعال برکت، گشایش و توفیق به دست می‌آید.

چه زیبا است که در اولین فرمان آسمانی دین مقدس اسلام فرمان فرهنگی را با این زیبایی در می‌یابیم. خواندن لوحی که برای اولین بار در برابر پیامبر باز شد، منظم و مکتوب بود.  
 هکذا در فرمان اقرء این نقطه مهم نهفته است که آنچه بر تو نازل خواهد شد، خواندنی است، نه فقط دانستنی.  
 بخوان به نام آن که تو را پرورش داد و به مصالح و منافعت عنایت ورزید. پس این تعبیر، هم بر انس و الفت بیشتر دلالت می‌کند و هم بر طاعت برانگیزاننده تر است.  
 در فرمان اقرء این نکته نهفته است که آنچه بر تو نازل خواهد شد، خواندنی است، نه فقط دانستنی.

بلی ! بخوان به نام آن «که آفرید» پس الله سبحانه و تعالی خود را با این صفت برای ما وصف می کند تا نعمت آفرینش را به یادمان بیاورد زیرا نعمت آفرینش اولین نعمت ها و بزرگترین آنهاست.

یعنی: ای پیامبر! بخوان به نام خداوندی که تو را آفریده است، هر چند که قبلاً نه خواننده بوده‌ای و نه نویسنده زیرا ذاتی که کائنات را آفریده است، بر این امر نیز تواناست که قدرت خواندن را در تو ایجاد نماید.

«الَّذِي خَلَقَ»: از ذکر صفت تخلیق در اینجا، شاید حکمت این باشد که همچنان که بر مخلوقات انعام و احسان شده است، از همه نخستین انعام به او اعطای شده است، و در اینجا مفعول «خلق» یعنی آنچه آفریده شده است را ذکر نفرموده به این اشاره است که همه کائنات مخلوق او تعالی باشند.

الله متعال این سوره مبارکه را با إقرأ آغاز می‌کند (بخوان) ولی از قرآن نام نمی‌برد.

دلیل عدم ذکر کلمه قرآن در این آیت به نظر علماء به شرح ذیل است :

- ۱ - منظور کلی آیت، قرآن است و طبق اسلوب سخنوری هر چیزی که واضح و روشن باشد اسمش ذکر نمی‌شود.
- ۲ - این علم که از إقرأ ناشی می‌شود، شامل هر علمی در دین اعم از حدیث ، فقه ویا سایر علوم عصری دیگر می‌شود.

بخوان به نام پروردگارت! الله متعال به پیامبرش دستور می‌دهد که سرآغاز خواندنش با نام الله بخشاینده مهربان باشد. الله سبحانه و تعالی هم جسم انسان را رشد می‌دهد و هم روح او را. (کلمه «رَبُّكَ» میان دو کلمه «خَلَقَ» و «أَفْرَأُ» آمده است.) «أَفْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ»

### «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ» (۲) :

(انسان را از خون بسته آفریده است.) سپس در جمله خلق شدن سایر مخلوقات اشاره خاصی به خلقت انسان نموده و فرموده است که: انسان را از خون سختی بسته آفریده و به تدبیر او پرداخته است باید امر ونهی کند و امر و نهی با فرستادن پیامبران و نازل کردن کتاب ها انجام می‌شود.

« خَلَقَ الْإِنْسَانَ » : «و انسان را که از نسل آدم است آفرید.» تخصص خلق انسان، خاص الله است و او انسان را از نطفه کوچک و بی‌مقدار آفریده است. آدم را از گل، انسان و نسل آدم را از خون بسته؛

«مِنْ عَلَقٍ»: از خون بسته شده، آفرید. اسم جمع است مفرد آن «علقه» است که قطعه‌ای از خون غلیظ و بسته‌ای است که بعد از سپری شدن چهل روز، نطفه و تکامل آن به علقه تبدیل می‌گردد که معلق به جداره رحم است و سپس یک مرحله دیگر چهل روزی بر آن سپری می‌شود و تکامل می‌یابد و «مضغه» می‌شود. از آن پس یا مشیت الله با آفرینش آن است و آن را می‌آفریند و یا آن را به عنوان پارچه گوشتی از رحم به بیرون می‌راند.

### معجزه خلقت :

الله سبحانه و تعالی ، جنس انسان را با این شکل و صورت بدیع و زیبا و ممتاز از دو چیز آفرید:  
الف : از تخمک یا «أوول» (سلول جنسی ماده که هنوز لقاح نیافته و با سلول نرینه ترکیب نشده).

ب : از اسپرم (سلول جنسی نر که در بیضه ساخته شده و در منی، ترشح می‌کند و می‌تواند تخمک را بارور گرداند؛ اسپرماتوزوئید)؛ منی دانه یا نطفه نر. از این سلول جنسی بی‌شمار، به داخل رحم زن ریخته می‌شود و برای به وجود آوردن موجودی تازه به انجام مأموریت خود، شروع می‌کنند و پس از طی دوران مشخص بارداری، انسانی پا به عرصه وجود می‌گذارد. «فتبارك الله أحسن الخالقين.»

این آیت مبارکه خطاب به رسول الله صلی الله علیه وسلم است که کسی که تو را از لخته خون خلق کرده، می‌تواند تو را از آبی به قاری تبدیل کند و این برای او کار مهمی نیست.

ذات خلق کردن مهم است و این که انسان را از خون آویخته آفریده، مهم‌تر است. به خاطر همین است که انسان گل سر سبد مخلوقات است، اگر قدر خود را بشناسد، از ملائک هم بالاتر است و اگر شناسد از حیوانات هم پست‌تر است.

«أَفْرَأُ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ» (۳):

(بخوان! پروردگار تو بزرگوارتر و بخشنده‌تر است) جود و احسان او فراوان می‌باشد، از بزرگوار و احسان او این است که انواع دانش‌ها را به انسان آموخته است.

«الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» (۴) :

(همان خدایی که به وسیله قلم (انسان را تعلیم داد و چیزها به او) آموخت.) این نشانه اکرام و عنایت بی‌پایان او است که انسان را از «لخته خونی» به شکل «انسان» در آورد. و به او خواندن و نوشتن را آموخت یگانه موجود که پیام دیگران را از طریق «خواندن» درک می‌کند و با «نوشتن» حفظ نموده و آن را به آیندگان انتقال می‌دهد و به این ترتیب از تجارب گذشتگان خویش مستفید می‌شود.

شیخ قرطبی فرموده است: الله متعال فضل علم و نوشتن را یادآور شده است؛ چون منافعی عظیم داشته که انسان به آن احاطه ندارد و اگر نوشتن نبود نه علوم تدوین می‌شد و نه حکمت ماندگار شده و نه اخبار پیشینیان ثبت می‌شد و نه اقوال آنها و کتب نازل شده از جانب خدا ضبط و حفظ می‌گردید.

و اگر کتابت و نوشتن نبود، امور دنیا و دین رو به راه و منظم نمی‌شد. (تفسیر قرطبی ۱۲۰/۱۹).

از این آیت مبارکه چند مطلب را می‌توان استنباط کرد:

«قرائت»، «علم»، «قلم» رمز برتری و فضیلت انسان بر سایر مخلوقات.

درفحوی آیت مبارکه؛ «عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در می‌یابیم که: رهائی از جهل با استفاده از قلم، جلوه‌ای از کرم و ربوبیت اوست و نویسندگی هنر مطلوب و مورد ترغیب دین مقدس اسلام است. هکذا در جمله «عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» به وضاحت در می‌یابیم که پروردگار با عظمت کارهای خود را از طریق اسباب انجام می‌دهد.

### اولین و مهم‌ترین وسیله آموزش قلم است:

در حدیثی که از حضرت ابو هریره (رض) روایت گردیده، آمده است: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده: «لما خلق الله الخلق كتب في كتابه فهو عنده فوق العرش ان رحمتي غلبت غضبي» یعنی وقتی که خداوند در ازل مخلوق را آفرید، در کتابی که پیش او در عرش هست، این را نوشت که «رحمت من بر غضبم غالب است» و نیز هم در حدیثی ثابت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «اول ما خلق الله القلم فقال له اكتب فكتب ما يكون الي يوم القيامة فهو عنده في الذكر فوق عرشه» یعنی خداوند از همه آنچه را که تا قیامت بودنی بود، نوشت و این نامه پیش خداوند بالای عرش موجود است. (مآخذ: از تفسیر ابو عبدالله محمد بن احمد انصاری قرطبی - تفسیر سوره تین)

### انواع قلم:

علماء در مورد انواع قلم می‌فرمایند که قلم در جهان به سه نوع است. یکی اولین قلم که خداوند آن را به ید قدرت خویش آفرید، و به نوشتن تقدیر کائنات به آن دستور داد، دوم قلم فرشتگان که آنان به وسیله آن تمام وقایع آینده و مقادیر

آنها و نیز اعمال انسان را به آن می نویسند، سوم قلم عمومی مردم که به وسیله آن مقاصد و کلام خویش را می نویسند، و کتابت در حقیقت یک نوع بیان است که صفات بخصوص انسان است. (قرطبی)

امام التفسیر مجاهد از ابو عمرو نقل فرموده است که خداوند متعال در همه کائنات چهار چیز را به ید قدرت خویش آفریده است، علاوه بر اینها نسبت به بقیه کائنات فرموده است که کن یعنی باشید همه موجود گشته اند، و آن چهار چیز عبارتند از: قلم، عرش، جنت عدن، و آدم علیه السلام.

### اولین علم کتابت:

اولین فن علم کتابت را علماء می گویند به ابو البشر حضرت ادم علیه السلام آموخته شد، و اول از همه او به نوشتن پرداخت. (کعب احبار: ابو اسحاق کعب بن ماتع الحمیری الاحبار شخصی یهودی و مربوط قبیله ذوالکیلا از یمن بود زمانی که مسلمان شده در زمان خلافت حضرت عمر بن خطاب زندگی می کرد. او معلوماتی زیادی در کتاب یهود (اعم از عهد عتیق، و عهد جدید) و داستان های مربوط به پیامبران گذشته داشت. اخبار و اقوال زیادی که معمولاً به اسرائیلیان مشهور اند از وی برجای مانده است.) و برخی از علماء فرموده اند که اول از همه این فن به حضرت ادریس آموخته شد، و از همه اول کاتب در دنیا ایشان می باشد. (ضحاک) و برخی دیگری از علماء فرموده اند که هر کس که به کتابت پرداخته است، آن تعلیم از جانب الله است.

### «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمُ» (۵):

(بدو چیزهایی را آموخت که نمی دانست.) خداوند انسان را از شکم مادرش بیرون آورد درحالی که هیچ چیزی نمی دانست و برایش شنوایی و بینایی و حواس پنجگانه اعطا فرمود و اسباب علم و دانش را برای او فراهم کرد پس به انسان قرآن و حکمت آموخت و به وسیله قلم به او چیزهایی آموخت قلمی که با آن دانش ها و حقوق ثبت می گردند. خداوندی که نعمت هائی به بندگان داده است که توان شکرگزاری آن را ندارند. سپس با توانگر کردن آن ها و روزی فراوان بر آن ها منت گذارده است.

ولی انسان به سبب نادانی و ستمگری اش وقتی خود را بی نیاز ببیند سرکشی می نماید و از پذیرفتن هدایت سرباز می زند و فراموش می کند که به سوی پروردگارش بازخواهد گشت. بلکه گاهی به جایی می رسد که هدایت را رها می کند و دیگران را به ترک گفتن آن فرا می خواند. بنابراین، از نماز خواندن که بهترین اعمال ایمان است جلوگیری می کند.

مفسرین در تفسیر آیت مبارکه؛ «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمُ» (به انسان چیزهایی آموخت که نمی دانست.) که این اولین حقیقت قرآنی است که دل پیغمبر صلی الله علیه و سلم در نخستین لحظه آن را دریافت داشته است. این حقیقت، ذهن و شعور او را، زبان او را، کار و روی کرد او را بعد از آن در طول زندگانی اش تصرف کرد و نخستین پایه ایمان به شمار آمد.

امام شمس الدین ابو عبدالله محمد ابن قیم جوزیه در کتاب خود: «زادالمعاد فی هدی خیر العباد» که رهنمود و رهنمون پیغمبر صلی الله علیه و سلم را در ذکر و یاد خدا خلاصه کرده است، گفته است:

پیامبر صلی الله علیه و سلم از همه آفریدگان کامل تر به ذکر و یاد خداوند بزرگوار می پرداخت. اصلاً همه سخنانش درباره ذکر و یاد الله و پیرامون آن بود. امر و نهی و مقرراتش برای ملت، ذکر و یاد الله بود. خبر دادنش از نام ها و صفت های پروردگار، و بیان احکام و افعال و وعد و وعیدش ذکر و یاد خدا بود. مدح و ثنای نعمت های الهی و تسبیح و تقدیس معبودش ذکر و یاد خدا بود. درخواست و دعایش، و رغبت و رهبتش ذکر و یاد خدا بود. سکوت کردن و

خاموشي گزیدن او ذکر و یاد دلش از خدا بود. در هر زمانی و در هر حالی به یاد خدا و در ذکر خدا بود. ذکر و یاد خدا در حال ایستادن، نشستن، بر پهلو افتادن، گام زدن، سوار شدن، حرکت کردن، پائین آمدن، کوچیدن، و اقامت گزیدن، با نفسهایش همراه و جاری بود. هنگامی که بیدار می شد می فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَإِلَيْهِ النُّشُورُ.» (حمد و سپاس خداوندی را سزا است که ما را زنده کرد بعد از این که ما را میرانده بود. زنده شدن دوباره در دست او

است.»

ادامه دارد